

## نگاهی به کتابِ نهایة الأرب و ترجمه فارسی قدیم آن

ابوالفضل خطیبی

نهایة الأرب فی أخبار الفرس و العرب (نویسنده: مجهول)، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران ۱۳۷۵ ش، ۱۸+۴۷۳ ص.  
ترجمه فارسی قدیم همین کتاب با عنوان تجارب الأمم فی أخبار ملوک العرب والعجم، به کوشش رضا انزابی نژاد و یحیی کلانتری، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۳ ش، ۴۱۲ ص.

متن ویراسته نهایة الأرب، واپسین اثر زنده یاد محمدتقی دانش‌پژوه است. سال‌ها پیش از آن‌که استاد بر بستر بیماری افتد، بنا بود انجمن آثار و مفاخر فرهنگی آن را منتشر کند. اما اجرای این نیت، همان‌گونه که در پیش‌گفتارِ ناشر آمده، به دلیل تغییرات سازمانی در انجمن، سال‌ها به تعویق افتاد و فقط در اوایل سال گذشته (۱۳۷۵ ش) بود که آن کتاب چاپ شد و انجمن، هم‌زمان با انتشار آن در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۵، مجلسی برای بزرگداشت استاد دانش‌پژوه برپا داشت و چند ماه بعد، در ۲۷ آذر، استاد چشم از جهان فرو بست و به دیار باقی شتافت<sup>۱</sup>.

در فهرست‌های نسخه‌های خطی، چهار نسخه از نهایة الأرب معرفی شده است<sup>۲</sup>، اما

---

(۱) برای اطلاع از شرح حال و آثار روان شاد دانش‌پژوه - ایرج افشار، «یادی از محمدتقی دانش‌پژوه»، نامه فرهنگستان، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۵، ص ۵-۱۴.

(۲) نسخه کتاب‌خانه گوتا به نشانه 1741, A؛ نسخه کتاب‌خانه کمبریج به نشانه QQ, 225؛ نسخه موزه بریتانیا، به نشانه Add, 18, 505؛ و سرانجام نسخه‌ای دیگر در همین کتاب‌خانه به نشانه Add, 23, 298. برای شرح مفصل‌تر این نسخه‌ها، - پیش‌گفتار انزابی نژاد و کلانتری بر تجارب الامم، ص ۱۸.

استاد دانش‌پژوه، تنها بر اساس میکروفیلم‌ها یا نسخه‌های عکسی برگرفته از نسخه‌های موزه بریتانیا، محفوظ در کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران، و نیز با مراجعه به آثاری چون نه‌ایه فی غرب الحدیث و تاریخ اصمعی و اخبار الطوال دینوری و تاریخ طبری، آن اثر را تصحیح کرده است.

نه‌ایه الارب از مهم‌ترین و کهن‌ترین منابع در تاریخ باستانی و افسانه‌ای ایران به شمار می‌رود، ولی هاله‌ای از ابهام هویت آن را فرا گرفته است: نه نام نویسنده آن دانسته است و نه زمان تألیف آن. مقدمه کتاب چنین آغاز می‌شود:

اصمعی - که بخشایش خدا بر او باد - گوید: هرگاه که هارون الرشید بر سر نشاط می‌بود، به دنبال من کس می‌فرستاد [و من پیش او رفته] سرگذشت مردمان پیشین و احوال روزگاران گذشته را بر او می‌خواندم. شبی به من گفت: اصمعی، آن همه شاهان و شاهزادگان کجا شدند؟ گفتم: ای امیر مؤمنان، همگی رفتند... پس یکی از نزدیکان خویش را نزد گنجور خود در بیت الحکمه فرستاد تا کتاب سیر الملوک را گرفته بیاورد. آنگاه مرا فرمود که آن را بر او بخوانم. (ص ۱)

از آنجا که سیر الملوک از سام بن نوح آغاز می‌شود، هارون الرشید (خلافت: ۱۷۰-۱۹۳) از اصمعی (وفات: ۲۱۶) خواست که به یاری ابوالبختری فقیه (وفات: ۲۰۰) آغاز کتاب را از آدم تا سام باز نویسد و او چنین می‌کند. (نه‌ایه، ص ۱-۲) ابهام و تناقض به ویژه از آنجا آغاز می‌شود که، پس از پایان این بخش، که بی‌گمان الحاقی است، از قول نویسنده گم‌نام نه‌ایه الارب چنین می‌آید:

آنان که در تألیف، گردآوری و ترتیب این کتاب دست داشتند و از راویان درست گفتار استماع می‌کردند دانش‌مندانی بودند چون عامر شعبی، ایوب بن القزّیه، از جمله حکیمان عرب که در جستجوی اخبار ائمت‌های گذشته برآمدند و آثار پیشینیان را گرد آوردند. در این کار، عبدالله بن مقفع به آن دو یاری می‌رساند. او یکی از دانش‌مندان ایرانی بود که سرگذشت پادشاهان آن سامان را نیک می‌دانست و در شناخت اخبار پادشاهان ایرانی و خود ایرانیان و آداب و فلسفه و حکمت ایشان مهارت داشت و عبدالملک بن مروان ایشان را برای این کار در ۸۵ هجری گرد آورده بود. (ص ۱۷)<sup>۳</sup>

در این سطور، خطاهای تاریخی فاحشی به چشم می‌خورد: عامر شعبی از راویان

معروف عرب بود که در حدود ۱۰۳ در گذشت و ابن قرّیه (ابو سلیمان ایوب بن زید) خطیب بلیغی بود که در ۸۴ به دست حجاج بن یوسف کشته شد.<sup>۴</sup> گفتنی است که ابوالفرج اصفهانی، در روایتی که به اصمعی می‌رسد، حتی وجود ابن قریه را ساختگی دانسته و نامش را با مجنون عامری در یک صف نهاده است.<sup>۵</sup> سرانجام، ابن مقفّع در ۱۴۲ کشته شد.<sup>۶</sup> از اینان، نیک پیدا است که اجتماع ابن قریه و عامر شعبی و ابن مقفّع در سال ۷۸۵ در دربار عبدالملک بن مروان (خلافت: ۶۵-۸۶)، با توجه به تاریخ وفات و دوران حیاتشان، امکان ندارد.

اهمیت نه‌ایه در تاریخ باستانی ایران، از سویی، و این مقدمه بر ساخته، از سوی دیگر، سبب شده است تا خاورشناسان و محققانی چون نولدکه، براون، کلیما و دیگران آراء مختلفی درباره آن عرضه دارند.

### نظر براون درباره نه‌ایه الارب

نخستین بار تئودور نولدکه در تاریخ ایرانیان و عرب‌ها به نه‌ایه الارب پرداخته و چنین نوشته است: «کتاب عجیب و نسبتاً دغل نه‌ایه اساساً تحریری عمدی از کتاب دینوری است؛ اما، در بخش داستان بهرام چوین، متنی کامل‌تر از دینوری در دست داشته است».<sup>۷</sup> اندکی پس از او، ادوارد براون به تحقیق مفصلی درباره این کتاب دست زد و نتایج آن را همراه با ترجمه انگلیسی گزیده‌ای از اخبار مربوط به پادشاهان ایران بر اساس نسخه کمبریج، در مجله انجمن سلطنتی آسیای به چاپ رساند.<sup>۸</sup> ارزش پژوهش براون در آن است که او متن نه‌ایه را با دو اثر تاریخی دیگر، اخبار الطوال دینوری و تاریخ طبری، تطبیق کرده و همانندی‌ها و اختلاف‌های آنها را نمایانده است. او در تحقیق خود غالباً روایتی را که در منابع دیگر نبوده درج کرده و نام‌ها و اسامی خاص را، اگر با نام‌های نظیر در آثار دینوری یا طبری تفاوت داشته، به خط عربی نوشته است.

(۴) برای شرح حال «ابن قرّیه»، - دایرة المعارف بزرگ اسلامی.

(۵) الاغانی، قاهره، ۱۳۸۳، ج ۲، بخش ۳، ص ۹. (۶) دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل ابن مقفّع.

(۷) این تاریخ، در تجارب الامم (ص ۳۴). سال ۷۵ است.

(۸) ترجمه عباس زریاب خونی، تهران ۱۳۵۸ ش، ص ۷۸۱.

براون، به خوبی نشان داده است که نظر نولدکه دربارهٔ این کتاب چندان درست نیست. یکی از عواملی که اهمیت نه‌ایه را در نظر براون برجسته کرده آن است که، در بخش مربوط به تاریخ پادشاهان ایران، از سیرالملوک ابن مقفّع روایات بسیاری نقل شده است. براون از این باب اظهار خشنودی می‌کند که توانسته است از طریق نه‌ایه به ترجمهٔ ارزشمند ابن مقفّع از خدای نامهٔ دورهٔ ساسانی - واپسین تحریر آن به احتمال فراوان در زمان یزدگرد سوم انجام گرفته است - دست یابد. هر چند وی تأکید می‌کند که سیر الملوک، یگانه منبع مؤلف نه‌ایه در نقل اخبار شاهان ایرانی نبوده است.<sup>۱۰</sup> اما، با توجه به این‌که نویسندهٔ نه‌ایه، چه در اوایل کتاب و چه بارها در همان بخش تاریخ شاهان ایران، از ابن مقفّع به عنوان منبع روایت خود در این بخش نام می‌برد، تا حدی می‌توان خطوط کلی مطالب سیر الملوک ابن مقفّع را خاصه در تاریخ شاهان ساسانی باز شناخت.<sup>۱۱</sup> ولی این نکته را نباید از نظر دور داشت که نه‌ایه، در مقایسه با نوشته‌هایی از این دست، کاستی‌هایی نیز دارد؛ چه تاریخ اساطیری ایران در نه‌ایه از داستان «رستم و اسفندیار» در زمان گشتاسب کیانی آغاز می‌شود و، به دلیلی که بر ما پوشیده است، تاریخ اساطیری ایران از کیومرث تا گشتاسب، که بی‌گمان بخشی از سیر الملوک ابن مقفّع بوده، از قلم افتاده است. البته شرح کوتاهی که نویسنده دربارهٔ جمشید و کشته شدن او به دست ضحاک آورده (ص ۲۱ و ۲۶) از این قاعده مستثناست. در همین جا ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که روایت نه‌ایه الأرب از ابن مقفّع دربارهٔ داستان رستم و اسفندیار روایتی است مهم که بی‌گمان از تحریرهای دینی خدای نامه سرچشمه گرفته است؛ چه، در این روایت، بر خلاف روایات شاهنامهٔ فردوسی و غرر اخبار ثعالبی، رستم دژ دینی است که بر ضد گشتاسب تازه آیین سر به شورش برداشته و سرانجام اسفندیار دین گستر را، که از سوی پدر به مقابلهٔ او شتافته، کشته است.<sup>۱۲</sup>

به‌رغم اهمیت کتاب نه‌ایه به عنوان یک منبع تاریخی، براون، پس از بررسی مقدمه و

10) Ibid, PP. 195-196

۱۱) بیشتر مؤلفان متقدم دورهٔ اسلامی، از جمله حمزه اصفهانی و مسعودی و بیرونی، از چند ترجمهٔ عربی خدای نامه و یا از تحریرهای سیر الملوک بهره برده‌اند. از این رو، بر اساس این گونه منابع، دشوار می‌توان مطالب سیر الملوک ابن مقفّع، این مهم‌ترین و معروف‌ترین ترجمهٔ خدای نامه، را از ترجمه‌های دیگر باز شناخت.

۱۲) نه‌ایه الأرب، ص ۸۲-۸۵؛ قس دینوری، اخبار الطوال، به کوشش عبدالمنعم عامر و جمال‌الدین شیال، قاهره، ۱۹۶۰ م، ص ۲۵-۲۶.

متن کتاب، موارد شبهه‌انگیز و گاه مجعول آن را چنین شرح می‌دهد:

الف) متن نه‌ایه‌ با ادب منثور عرب، که تقریباً از زمان خلافت عباسیان (اواخر سده هجتم میلادی / دوم هجری) آغاز می‌شود، متفاوت است؛ ب) سبک و ساختار کلی متن نه‌ایه‌ با آثار کهن تاریخی که به زبان عربی نگاشته شده کاملاً ناهمگون است؛ ج) در هیچ جا به این کتاب اشاره‌ای نشده است؛ د) کمتر می‌توان احتمال داد که عبدالملک اموی خود را با افسانه‌های پیشینیان سرگرم کرده باشد؛ ه) سرانجام، اجتماع ابن قریه، عامر شعبی و ابن مقفّع در دربار عبدالملک اموی امکان ندارد.<sup>۱۳</sup>

بنابر تحقیق براون، مطالب نه‌ایه‌ ال‌رب به اخبار الطوال دینوری بسیار نزدیک است، ولی در نه‌ایه‌ رخ‌دادها با تفصیل بیشتری نقل می‌شود. البته این قطعات تفصیلی را می‌توان در آثار نویسندگان مشهور متقدم، مانند کسروی که آثار او بجز قطعات منقول در کتاب‌های نویسندگان بعدی از بین رفته، باز یافت. از این رو، نه‌ایه‌ ال‌رب شایسته بررسی دقیق است، زیرا می‌توانیم امیدوار باشیم که، به یاری آن، بر دانش خود درباره‌ کتاب نیمه تاریخی و نیمه افسانه‌ای خدای نامه‌ پهلوی بیفزاییم.<sup>۱۴</sup>

### نظر محققان دیگر

پس از انتشار مقاله ادوارد براون<sup>۱۵</sup>، بحث و اظهار نظر درباره‌ نه‌ایه‌ بین محققان هم‌چنان ادامه یافت. اوتاکر کلیما<sup>۱۶</sup> نیز به قدمت و اصالت این اثر اشاره کرده است<sup>۱۷</sup> و شادروان محمد جواد مشکور، با اشاره به تناقض و ابهام موجود در مقدمه نه‌ایه‌، احتمال می‌دهد که نه‌ایه‌ ال‌رب اقتباس از متونی باشد که در بین آنها کتابی از اصمعی نیز وجود داشته است. وی می‌افزاید که شاید آن را فرد دیگری گرد آورده ولی مقدمه را به نام اصمعی نوشته باشد یا آن را از یکی از کتاب‌های او برگرفته یا تکه‌هایی، از جمله مصنفات او را، در آنجا آورده باشد.<sup>۱۸</sup>

13) Ibid, P. 200

14) Ibid, pp. 200-201

15) چکیده آراء براون را کولسنیکف، در اثر معروف خود درباره‌ ساسانیان نقل کرده است. ایران در آستانه‌ یورش تازیان، ترجمه محمد رفیق یحیایی، تهران، ۱۳۵۵ ش، ص ۹۱-۹۴.

16) Otakar Klima

17) تاریخچه مکتب مزدک، ترجمه جهانگیر فکری ارشاد، تهران ۱۳۷۱ ش، ص ۷۶.

18) تاریخ سیاسی ساسانیان، تهران ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۱؛ برای بحثی درباره‌ دیدگاه‌های این محققان، پیش‌گفتار انزابی‌نژاد و کلانتری بر تجارب الامم، ص ۱۱-۱۸.

مصححان ترجمه فارسی نه‌ایه الأرب نیز، به استناد عبارتی در نه‌ایه، بر قدمت تألیف این کتاب تأکید کرده‌اند. این عبارت مورد استناد، در فصل مربوط به فتح مداین و غنایمی که مسلمانان از ایرانیان گرفتند، آمده و چنین است: «وقعوا علی تاج کسری بن هرمزد، فبعث [ها] سعد الی عمر - رضی الله عنه - فحملها الی الکعبه و هی فیها الی الآن»<sup>۱۹</sup> (سپاه عرب به تاج کسری پور هرمزد دست یافت و سعد وقاص آن را برای عمر فرستاد. عمر نیز آن را به کعبه برد و آن تاج تاکنون در کعبه به جای است). ولی مترجم فارسی، به جای «هی فیها الی الآن»، نوشته است: «[آن تاج] به زمان حجّاج نماند»<sup>۲۰</sup>. با توجه به این که در متن نه‌ایه آمده است که تاج کسری در آن زمان هنوز در کعبه وجود داشته و باز با توجه به ترجمه فارسی و این که در سال ۷۳ به فرمان حجّاج دیوار کعبه با منجنیق فرو ریخت و غنایم و زروزیور موجود در کعبه، از جمله تاج کسری به تاراج رفت، مصححان تجارب الامم چنین نتیجه گرفته‌اند که، به احتمال قوی، نویسنده نه‌ایه، در همین سال ۷۳ یا اندکی پس از آن، مشغول نوشتن این اثر خود بوده است<sup>۲۱</sup>. اما این استدلال خالی از اشکال نیست؛ چه، دشوار بتوان عبارت «هی فیها الی الآن» را به نویسنده نه‌ایه نسبت داد. چنین می‌نماید که این عبارت بخشی از یک روایت و از یکی از راویان اصلی و متقدم کتاب، شاید همان ابن قرّیه، باشد که، در زمان تدوین نه‌ایه، به همین صورت در آن وارد شده است. از این رو، عبارت بالا از قدمت روایات کتاب نشان دارد نه قدمت نگارش و تدوین آن. حاصل سخن، همان‌گونه که گابریلی گفته است، به نظر می‌رسد نویسنده ناشناخته نه‌ایه الأرب آن را به نیت تلفیق یکی از آثار ابن مقفع با آثار دو نویسنده دیگر (شعبی و ابن قرّیه)، که در عهد عبدالملک می‌زیسته‌اند، تألیف کرده باشد<sup>۲۲</sup>. تاریخ تألیف کتاب دانسته نیست؛ اما، به گفته کریستن سن<sup>۲۳</sup>، ظاهراً در نیمه نخستین سده پنجم هجری / یازدهم میلادی به رشته تحریر در آمده است. هر چند کریستن سن برای مدعای خود دلیلی ذکر نکرده، به نظر می‌رسد که نظر او به حقیقت نزدیک تر باشد.

(۱۹) این عبارت را - که از یکی از نسخه‌های نه‌ایه برگرفته شده - از پیش‌گفتار مصححان تجارب الامم (ص ۱۶-۱۷) نقل کرده‌ایم و آن در متن چاپی نه‌ایه (ص ۶۴۱) با لغزش‌هایی نحوی ضبط شده است.

(۲۰) - تجارب الامم، ص ۳۸۳. - پیش‌گفتار مصححان، ص ۱۶-۱۷.

(۲۲) به نقل کلیما، همان‌جا.

(۲۳) ایران در زمان ساسانیان؛ ترجمه رشید یاسمی. تهران ۱۳۷۴ ش، ص ۱۱۱.

افزون بر اهمیت تاریخی، از دیگر ویژگی‌های مهم نه‌ایه‌ی وجود اسامی و واژگان و عبارت‌های فارسی (ظ: پهلوی) در آن است، از جمله شاه جهان؛ سه و بیست (= بیست و سه)؛ لقب بزکن برای یزدگرد اول ساسانی به جای «الایم» (گناه‌کار) موجود در دیگر تواریخ عرب. درباره‌ی جای مرگ بهرام گور، مؤلف نه‌ایه‌ی می‌نویسد: بهرام، آنگاه که، سوار بر اسب، در باتلاقی فرو می‌غلطد، به دایه‌اش می‌گوید: دای مرگ آمد که، از آن پس، این موضع دای مرگ نامیده شد.<sup>۲۳</sup> نویسنده نه‌ایه، ذیل پادشاهی باذان در یمن، متن فارسی و ترجمه کتیبه‌ای را درج کرده که گفته شده بر سنگ قبری، متعلق به یکی از ابناء فارس<sup>۲۵</sup> (سلسله حکمرانان ایرانی یمن در زمان ساسانیان) حک شده بود؛ ولی این قطعه چنان دچار تصحیف شده که، بجز چند واژه، دشوار بتوان آن را به درستی باز خواند. عین قطعه ذیلاً نقل می‌شود تا علاقه‌مندان در آن تأمل کنند. نسخه بدل‌ها را نیز از همان مقاله براون، بر اساس دو نسخه موزه بریتانیا، در پانوشته آورده‌ایم<sup>۲۴</sup>. اینک ترجمه عربی و متن «فارسیه»ی کتیبه:

قال فأصابوا فی ناووس من ناوویس الابناء من المعجم الذین کانوا بها لوح حجر مکتوباً  
فیه بالفارسیة: و اننو میسرة کدینک کوردییزه و ثن هیدا فی توشه<sup>۲۷</sup>. و تفسیره ارتحل  
بلازاد. و قوله و ایذا سس حرمة الحی بعد کسالی<sup>۲۸</sup> و قوله «و بخورند بمزه» یا کلوته  
بطیب طعم و لذذة<sup>۲۹</sup>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
\* \* \*  
رتال جامع علوم انسانی

(۲۴) نه‌ایه‌ی الارب، ص ۲۲۶؛ تجارب الامم، ص ۲۳۶. برای برخی واژگان فارسی نه‌ایه - صادقی؛ علی اشرف، تکوین زبان فارسی، تهران ۱۳۵۷، ص ۱۱۵؛

Brown, Ibid, pp. 201-202

(۲۵) - دایرة المعارف بزرگ اسلامی: ذیل «ابناء».

(26) Ibid, pp. 202-203

(۲۷) الف - و اتومسین سک کرد بین و نزهید ائی توبته؛ ب - و اینو میسرة کدینک کورد بیزه و نزهیدا فی توشه.

(۲۸) الف - اذا سس خزانه الحی بعد کسالی؛ ب - ایذا سس حرمة الحی بعد کسالی.

(۲۹) نه‌ایه‌ی الارب، ص ۲۳۵. این عبارت در تجارب الامم نیست. برای آشنایی با برخی دیگر از واژه‌ها و عبارت‌های فارسی موجود در نه‌ایه‌ی الارب -

Brown, Ibid, 201-203; Idem, "The Sources of Dawlatshāh", JRAS, 1899, pp. 51-53.

## تجارب الامم

ترجمه فارسی کتاب نه‌ایه الأرب با متن اصلی تقریباً سرنوشت مشابهی دارد. به‌رغم آن‌که در هیچ یک از منابع متقدم و متأخر دوره اسلامی از نه‌ایه ذکری نشده است، نسخه‌ای از آن، محفوظ در خزاین عباسیان، به کتاب‌خانه اتابک سعد بن زنگی (از اتابکان معروف فارس) در شیراز و از آنجا به ایدج (مال امیر یا ایذه کنونی)، تخت‌گاه اتابکان لر بزرگ<sup>۳۰</sup>، انتقال می‌یابد. سپس، به فرمان یکی از همین اتابکان و به قلم مترجمی که مانند نویسنده اصل کتاب گم‌نام مانده است، به فارسی در می‌آید.<sup>۳۱</sup>

استوری، دو نسخه از ترجمه فارسی نه‌ایه الأرب، یعنی تجارب الامم، را معرفی کرده است: یکی نسخه مورخ ۷۸۹ که در کتاب‌خانه ایاصوفیه استانبول نگهداری می‌شود و تصحیح کتاب نیز فقط بر اساس همین نسخه صورت گرفته است. دیگری نسخه مورخ ۸۱۱ که گویا در زمان فهرست‌نگاری استوری در اختیار فردی انگلیسی به نام ویلفرد مرتون بوده است. استوری تجارب الامم را چنین معرفی می‌کند: «تاریخ ایران تا فتح عرب و تاریخ عرب پیش از اسلام همراه با اخبار پیامبران پیشین». سپس، با ذکر تاریخ ۷۸۹ هـ/ ۱۳۸۷ م، که در پایان نسخه ایاصوفیه آمده، با تردید می‌نویسد که این نسخه دست‌نویسی است به خط مترجم<sup>۳۲</sup>. اما، در قسمت پایانی بخش دوم از همین جلد از کتاب خود، در اضافات و اصلاحات، در معرفی مفصل‌تری از تجارب الامم، می‌نویسد: «دست‌نویس دیگری از این کتاب در اختیار ویلفرد مرتون است. بنابر آن دست‌نویس، این ترجمه برای نصرت‌الدین احمد [اتابک لرستان از ۶۹۶ تا ۷۳۳] فراهم آمد. در متن ترجمه، از نام مترجم سخن نرفته ولی، در صفحه عنوان، کتاب به حمدالله مستوفی منسوب شده است. بر پایه این اطلاعات تازه، دست‌نویس ایاصوفیه را نمی‌توان به خط مترجم دانست».<sup>۳۳</sup> با توجه به این‌که در هیچ یک از منابع مربوط به شرح احوال و آثار حمدالله مستوفی، مورخ و جغرافی‌دان پرآوازه سده هشتم هجری، از چنین اثری به نام او یاد نشده، مصححان

۳۰ نام سلسله‌ای که از ۵۵۰ تا ۸۲۸ بر نواحی واقع در مشرق و جنوب کارون علیا فرمان می‌راندند. — دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ذیل اتابکان لرستان.

۳۱ تجارب الامم، ص ۳۴-۳۵.

32) C.A. Storey, *Persian Literature*, Vol. I, Part. I, p. 245.

33) Ibid. vol. I, part 2. p. 1270.



کتاب تجارب الامم به درستی انتساب آن را به او مردود دانسته‌اند<sup>۳۳</sup>؛ اما، درباره‌ی زمان ترجمه و نام فرمان‌روایی که کتاب به فرمان او به فارسی برگردانده شده است تنها به نقل گفته استوری که ترجمه در زمان اتابک نصرت‌الدین احمد لر صورت پذیرفته بسنده کرده‌اند<sup>۳۵</sup>.  
به اعتقاد ما، تجارب الامم به فرمان اتابک یاد شده ترجمه نشده است. کلید حل این معما در بیت شعری نهفته که بی‌گمان از سروده‌های خود مترجم است و در پایان مقدمه‌ای نسبتاً طولانی در ستایش این حکمران درج شده است. بیت این است:

ماه مُلک آرای بُرج سلطنت سلطان شنگ      در دریا فیض دُرج سلطنت سلطان شنگ<sup>۳۶</sup>

مصححان کتاب «سلطان شنگ» را ترکیب وصفی دانسته و در پانویست «شنگ» را «خوب، نیکو و زیبا» معنی کرده‌اند. اما ترکیب وصفی «سلطان شنگ» سخت نادر و غریب می‌نماید. «شنگ» در بیت مذکور بی‌تردید تصحیف «پَشَنگ» است. سلطان پشنگ یکی از اتابکان لرستان بوده که به مدت ۳۵ سال (۷۵۷-۷۹۲) در ایذج حکومت کرده است. وانگهی مترجم، درست پیش از نقل همین بیت، حکمران حامی خود را با القاب «شمس الحق و الملک و الدین» ستوده است که این القاب مؤید لقب شمس‌الدین است که غالب منابع تاریخی برای اتابک پشنگ ذکر کرده‌اند<sup>۳۷</sup>. در پایان ترجمه فارسی کتاب، این عبارت به چشم می‌خورد: تمت فی شهر شوال سنه تسع [و] ثمانین [و] سبعمانه بلده ایذج. استوری و، به پی‌روی از او، مصححان تجارب الامم این تاریخ (۷۸۹) را تاریخ پایان کتابت نسخه فرض کرده‌اند؛ اما هیچ دلیلی در دست نیست که نسخه در این تاریخ کتابت شده باشد، به ویژه آن‌که از نام کاتب نیز سخن نرفته است. اما، بر پایه‌ی قراینی که پیش‌تر یاد شد، بر خلاف نظر استوری، می‌توان گفت که این نسخه دست‌نویسی است به خط مترجم که در شوال ۷۸۹، یعنی اواخر حکومت شمس‌الدین پشنگ در ایذج، نوشته شده است.

۳۴ - پیش‌گفتار مصححان، ص ۱۹.

۳۵ - همان، ص ۱۸ و پانویست ۳.

۳۶ - تجارب الامم، ص ۳۳.

۳۷ - شمس‌الدین پشنگ بن سلفر شاه بن احمد بن یوسف شاه، معاصر شاه شجاع، از آل مظفر. - کتبی، محمود، تاریخ آل مظفر، به کوشش عبدالحمین نوایی، تهران ۱۳۳۵ ش، ص ۵۲. درباره‌ی اتابک پشنگ، نیز - غفاری، قاضی احمد، تاریخ جهان‌آرا، تهران ۱۳۴۳ ش، ص ۱۷۱؛ بدلیسی، شرف‌الدین، شرفنامه، به کوشش محمد عباسی، تهران ۱۳۴۳ ش، ص ۵۶؛ منتخب الثواریخ، منسوب به معین‌الدین نطنزی، به کوشش ژان اوبن، تهران ۱۳۳۶ ش، ص ۴۹.

مترجم در مقدمه کتاب خود می‌نویسد که اتابک لر از او خواسته است تا کتاب نه‌ایه الأرب را «بلازباده و نقصان به زبان فارسی سازد».<sup>۳۸</sup> اینک این پرسش پیش می‌آید که مترجم تا چه اندازه در ترجمه فارسی امانت‌داری کرده است. ما، پس از مقایسه بخش‌هایی از متن عربی با متن فارسی، به این نتیجه رسیدیم که، در بسیاری موارد، ترجمه فارسی با اصل عربی آن فرق دارد. در برخی فصل‌ها، مترجم متن اصلی را بسیار تلخیص کرده است. برای نمونه، در نه‌ایه الأرب، بیش از یک صفحه به اخبار مربوط به پادشاهی باذان در یمن اختصاص یافته و همان در ترجمه فارسی در دو سطر خلاصه شده است.<sup>۳۹</sup> در عوض، پاره‌ای مطالب مندرج در ترجمه فارسی در متن اصلی نیست؛ مثلاً، همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، تاریخ اساطیری و پهلوانی ایران از کیومرث تا گشتاسب، صرف‌نظر از اشاراتی کوتاه، در متن عربی نه‌ایه از قلم افتاده است؛ ولی، در ترجمه فارسی، مطالب گاه مفصلی درباره برخی از پادشاهان اساطیری ایران، از جمله کیقباد و کیکاووس و لهراسب، به چشم می‌خورد.<sup>۴۰</sup> ناآگاهی ما از نسخه اساس کار مترجم سبب می‌شود تا بتوانیم این تفاوت‌ها را به درستی تبیین کنیم، با این‌همه، دشوار می‌توان همه آنها را به اختلاف‌های احتمالی میان نسخه اساس مترجم و نسخه‌های موجود نه‌ایه الأرب نسبت داد.

جای بسی خوش وقتی است که، در فاصله دو سال (۱۳۷۳-۱۳۷۵)، هم متن عربی نه‌ایه الأرب و هم ترجمه فارسی آن، به کوشش استادان ایرانی انتشار یافته است. متأسفانه متن عربی نه‌ایه الأرب فاقد فهرست اعلام است و ناهماهنگی‌هایی نیز در خود متن و پانوشت‌ها دیده می‌شود. شایسته است که در تجدید چاپ هم این‌گونه نارسایی‌ها رفع شود و هم محققان، در آن بخش‌های نه‌ایه الأرب که به پادشاهان ایران مربوط است، به ترجمه ملخص انگلیسی ادوارد براون و نیز پژوهش‌های عالمانه او را در مقاله‌ای که پیش‌تر یاد شد توجه نمایند.

□

۳۹) همان، ص ۳۰۱؛ قس نه‌ایه الأرب، ص ۳۳۴-۳۳۵.

۳۸) تجارب الامم، ص ۳۴.

۴۰) تجارب الامم، ص ۹۵-۱۰۱.